

## حزب کارگران سوسیالیست

و بالاخره جنگ ایران و عراق، علاوه بر اینکه ورشکستگی سیاسی سازمانهایی چون فدائیان خلق (اکثریت) را به نمایش گذاشت، موجب شد که یک گروه دیگر نیز ماهیت و واقعیت درونی خود را بروشنی نمایان سازد.

سالها است که تروتسکیستها هیچ گرایش دیگری را جز خودانقلابی نمیدانند. کسانیکه همواره معتقد بوده‌اند که تمام سازمانهای دیگر دیر یا زود به سازش طبقاتی کشانده خواهند شد. کسانیکه در گذشته معتقد بودند که سازمانهای غیر تروتسکیست یا رفرمیست هستند (مثل حزب توده)، بسا ماوراء چپ - یعنی در نهایت راست - (مثل پیکار) و بسا

سانتریست (مثل سازمان وحدت کمونیستی)، کسانیکه ادعا میکردند "مارکسیسم انقلابی" را در جنبش سیاسی ایران تنها دو نثریه "کندوکا و" و "پیام دانشجو" بایک زهرایسی تعابندگی میکنند، کسانیکه هیچ دولتی را جز دولتهای "منحط کارگری" مترقی نمیدانستند، کسانیکه فقط و فقط خود را رهروان راستین لنین میدانستند، بالاخره درک خود را از مارکسیسم انقلابی! بوضوح به نمایش گذاردند و نشان دادند که مارکسیسم ادعایی شان از چه قماش است. بیانشی "حزب کارگران سوسیالیست" درباره‌ی جنگ ایران و عراق مینویسد:

"ما از دولت جمهوری اسلامی میخواهیم که ما را مسلح کند! ما از ارتش و سپاه پاسداران میخواهیم که بهمه‌ی ما آموزش نظامی دهند تا بتوانیم از طریق شوراهاى خود بدفاع از انقلاب برخیزیم! مسأله‌هاى این هستیم که ارتش واقعا ۲۰ میلیونى شوراهاى مسلح کارگری، دهفانى، سربازى و محصلات تشکیل گردد و برای مقابله با حمله‌ی نظامى امپریالیستی بسیج شود. کلیه‌ی کسانیکه در میان ما به رهبرى امام خمینی اعتقاد دارند بایستد بخواهند: ای رهبر خمینی، ما را مسلح کن!"

کاش میشد این نوشته را آنقدر جدی گرفت که بسا آن جسدل کرد. اما واقعیت این است که بجای برخورد به متن نوشته (از آنجاکه محتوای آن هیچ فرقی با نوشته‌های فدائیان (اکثریت) و حزب رنجبران و حزب توده ندارد) باید به مکانیسمی که چنین ابتدالی را مجال پرواز میدهد توجه کرد. "حزب! کارگران سوسیالیست" (که "حزب" بودنش نشانه‌ی درک بی نظیرش از مسأله‌ی حزب است) تصور میکند که با یک چشم‌بندی سیاسی خود را از قید محضورات گذشته رها نموده و با تفسیر عنوان نثریه "چه باید کرد" به "کارگران سوسیالیست" مجاز است که کل تحلیلهای سیاسی خود را شبانه عوض کند و خم هم به ابرو نیارد! اگر کسانى در شناخت "تروتسکیسم در عمل" دچار کمبود بودند، و اگر کسانى فاضله‌ی نزدیک به صفر میان چپ‌نمایی و راست‌روی را نمیدانستند، با این شاهکار تروتسکیستی، باید واقعیات را دریافته باشند. باید به سازمان اپورتونیستی - استالینیستی انترناسیونال چهار شیریک گفت که چه خوب از عهده‌ی اینکار برآمده است.

بیاد داشته باشیم که رهبر عظیم‌الشان جهانی این دوستان، جناب ارست مندل آنقدر سعی صدر داشت که در شاه ایران پتانسیل هد امپریالیستی میدید و "سرمایه‌ی اتونوم عرب و ایرانی" را امیدی در جهان نو مینداشت. حال چگونه کسی انتظار دارد که پیروان این حضرت به "رهبر خمینی" متوسل نشوند و از او نخواهند که آنها را "مسلح" کند! تا دمار از روزگار امپریالیسم درآورند؟ "ما از ارتش و سپاه پاسداران میخواهیم که بهمه‌ی ما آموزش نظامی دهد!" بیچاره ارتش و سپاه پاسداران درمانده‌اند که چگونه از عهده‌ی اینکار برآیند؟! و این درماندگی تنها در "عظمت" مسئولیت نیست. در این نیز هست که متحیر شده‌اند که چه رفته است که "ارگانه‌های سرکوب بورژوازی" باید به "کارگران سوسیالیست انقلابی" آموزش نظامی دهند؟ و جواب "کارگران سوسیالیست" به سرهنگ متحیر و درمانده‌ی ارتش اینست که: برادر ارتشی گذشته‌ها گذشته‌است. بورژوازی و کارگر کدام است. اینها مربوط به نثریه‌ی منحرف "چه باید کرد" بود! به پیش. ●